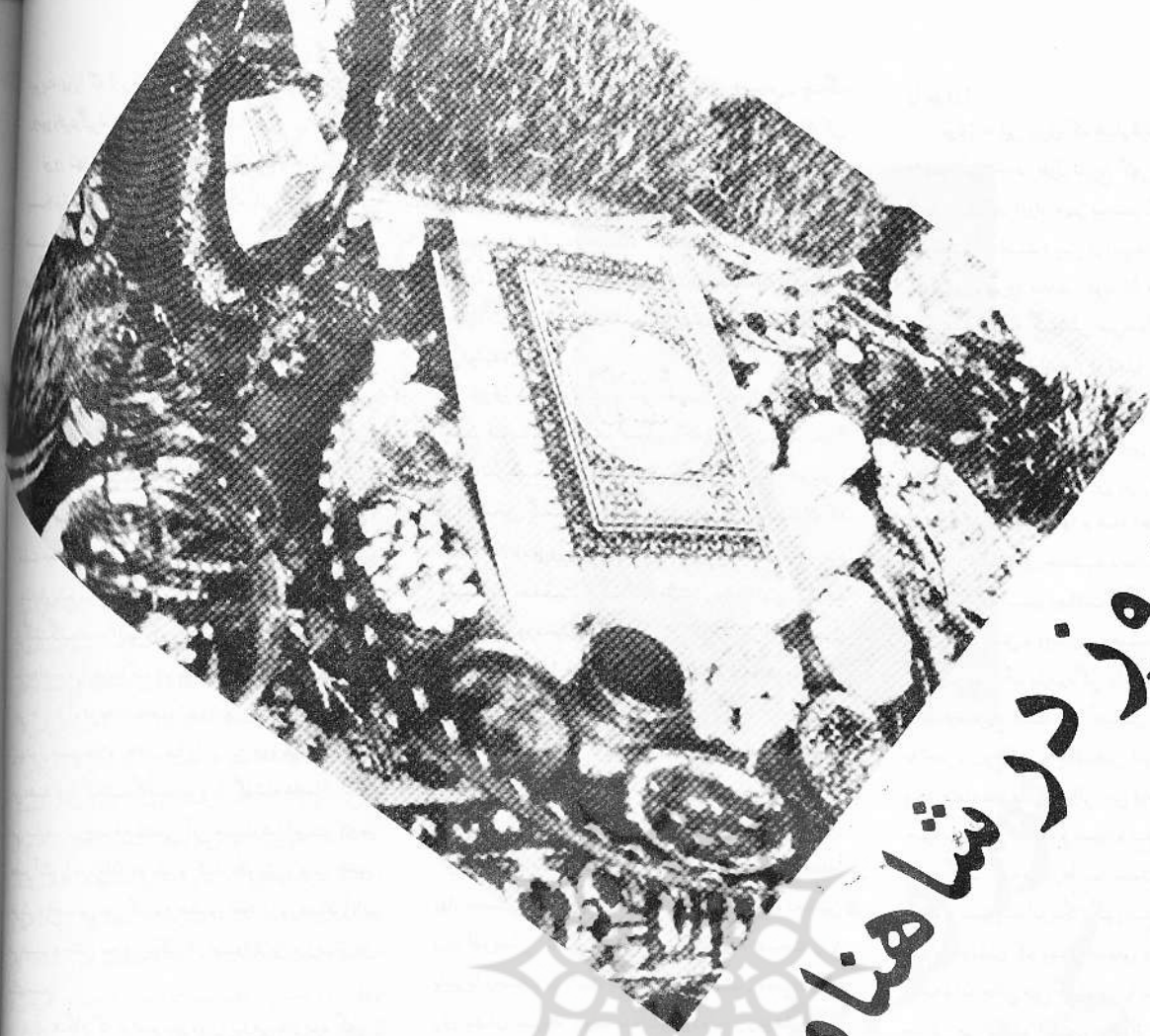


# نوروز در شاهنامه



یکی از جشنهایی که در شاهنامه فردوسی از آن نام برده شده، آئین و مراسم نوروز می باشد. در این مقاله سعی بر این است که درباره مراحل پیدایش این جشن، زمان برگزاری، استعمال کلمه نوروز و چگونگی آن در شاهنامه توضیحاتی داده شود.

جشن نوروز از مهمترین مراسمی است که از سالیانی دور در بین ایرانیان رایج بوده و به یادگار مانده است. شادی و سرور در این زمان چندان دور از ذهن نیست زیرا جهان رنگی دیگر به خود می گیرد و زمان، زمان زایش زمین است و تولد گیاه. حال از چه دوره ای این عید به صورت رسمی درآمد بهتر آن است که بدانیم از چه زمانی گاه شماری وجود داشته زیرا اگر این آئین تنها به صورت یک جشن در فصل بهار انجام می شده است بنابراین باید در سال زمان معینی داشته باشد و داشتن وقتی مشخص لازمه این گفتار می گردد.

می توان گفت پیشینیان ما، با دیدن تغییرات جوی و

طبیعی هر دوره ای از سال را به نوعی زمان بندی کرده بودند.

در گاهشماری می خوانیم که سال ایرانی وقتی به دو قسمت تقسیم می شده، زمستان ده ماهه و تابستان دو ماهه و سال از دوری از ادوار به دو قسمت تابستان هفت ماهه و زمستان پنج ماهه تقسیم گردیده که بعد به دو قسمت شش ماهه تبدیل شده است. و همچنین «سال از عهدهی بالنسبه قدیم (و شاید از قدیم ترین ازمته نیز) به چهار فصل سه ماهه معروف تقسیم می شده که اسامی پهلوی آنها چنین است: وهار- هامن- پاتیژ- زمستان»<sup>۱</sup>

بنابراین نوعی گاه شماری به وجود آمده بود که نسبتاً زمان تغییر و تحولات طبیعی را مشخص می ساخته است. آریابیان قدیم در هریک از این دو فصل گرما و سرما جشنی بر پا می نمودند و به پایکوبی می پرداختند. و از طرفی می بینیم که «در عهد بسیار کهن، سال از اول تابستان (انقلاب صیفی) و با تیرماه آغاز می شده و دلیل آن لغت «میزدایری» که اسم گاهنبار پنجم از شش

گاهنبار سال است. این جشن در حوالی انقلاب شوی بر پا می شده و معنی لغوی آن (نیمه سال) است. و از سوی دیگر در میابیم که در زمانی سال با اول تابستان شروع می شده ولی نه با تیرماه بلکه با فروردین ماه. بیرونی اول سال ایرانیان را فروردین و در انقلاب صیفی می داند و اعیاد خوارزمی نیز مویده همین ادعاست. و قرائنی در دست است که می رساند این جشن در عهد قدیم یعنی هنگام تدوین بخش کهن اوستا نیز در آغاز برج حمل<sup>۲</sup> یعنی اول بهار بر پا می شده و شاید بنحوی که برما معلوم نیست، آنرا در اول برج مزبور ثابت نگه می داشتند.<sup>۳</sup>

پس اساس به وجود آمدن این جشن آغاز بهار و در واقع شادی طبیعی از پایان فصل سخت سرماست. در این فصل، تمامی ناخوشی های مربوط به سرما از بین رفته و جای آن را سبزی و طراوتی وصف نشدنی فرامی گیرد. زمین لباسی تازه در برمی کند و زمینی دیگری شود و شاید، آدمیان همین دید را نسبت به خود نیز داشته اند.

بر عقیقه در اشعار شاهنامه هم دیده می شود. هنگامیکه گویزن را نمی یابد، به چاره جوئی نزد کیخسرو رفته و از وی خواهد که او را دریافتن گمشده اش یاری نماید. کیخسرو بدینگونه پاسخ می دهد که:

بدان تا بیایند مه فرودین  
که بسفر روز اندر جهان هوردین  
بدانگه که بر گل نشانند باد  
چو بر سر همی گل فشانند باد  
ببین چادر سبزه در پوشدا  
هوا بر گلان زار بخروشدا  
بهر سو شود پاک فرمان ما  
برستش که فرمود یزدان ما  
بخوام من آن جام گیتی نمای  
شوم پیش یزدان بباشم بپای  
کجا هفت کشور بدواندرا  
ببینم بر و بوم هر کشورا  
کنم آفرین بر نیاکان خویش  
گزیده جهاندار و پاکان خویش  
بگویم ترا هر کجا بیژنست  
بجام اندرون این مرا روشنست

ج پنجم ص ۴۳  
تا زمانی که نوروز فرانسیده کیخسرو نمی تواند به جام جم نگاه بیاندازد و اسرار ببیند. چرا؟ تنها در بهار است که تخیراتی کاملاً محسوس جهان را فرا گرفته، زندگی بار دیگر آغاز می گردد (البته زندگی گیاهی که شاید به همان اسطوره «مشی و مشیان» و «یم و یمگ» برگردد که اولین جفت انسانی اند).<sup>۵</sup>

پس انسان نیز تولدی دوباره می یابد و از تمامی بدیها جدا گشته مانند موجودی تازه به دنیا آمده، بدون گناه می گردد.

کیخسرو نیز تنها در نوروز است که می تواند جام جم را در دست گرفته و راز هفت کشور را دریابد.  
چون نوروز فرسخ فراز آمدش  
بدان جام روشن نیاز آمدش  
بیامد پرامید دل پهلوان  
ز بهر سپهر گوز گشته نوان  
چو خسرو رخ گیبو بزمرده دید  
دلش را ببرد اندر آزرده دید  
بیامد بپوشید رومی قبا  
بدان تابود پیش یزدان بپای  
خروشید پیش جهان آفرین  
بخروشید بر چند برد آفرین  
ز فریادرس زور و فریاد خواست  
از آهرمن بدگنش دادخواست

خرامان از آن جا بیامد بگناه  
بسر بر نهاد آن خجسته کلاه  
یکی جام بر کف نهاده نبید  
بدو اندرون هفت کشور بدید  
زمان و نشان سپهر بلند

همه کرده پیداً چه و چون و چند  
ج ۵ ص ۴۳  
فردوسی، آغاز شهر یاری کیومرث (اولین انسان) و بر

تخت نشستن وی را در اول برج حمل می داند.<sup>۶</sup>  
چنین گفت کائین تخت و کلاه  
کیومرث آورد و او بود شاه  
چو آمد ببرج حمل آفتاب  
جهان گشت با فرو آئین و آب  
بتابید از آن سان ز برج بره  
که گیتی جوان گشت از آن یکسره  
کیومرث شد بر جهان کدخدای  
نخستین بکوه اندرون ساخت جای

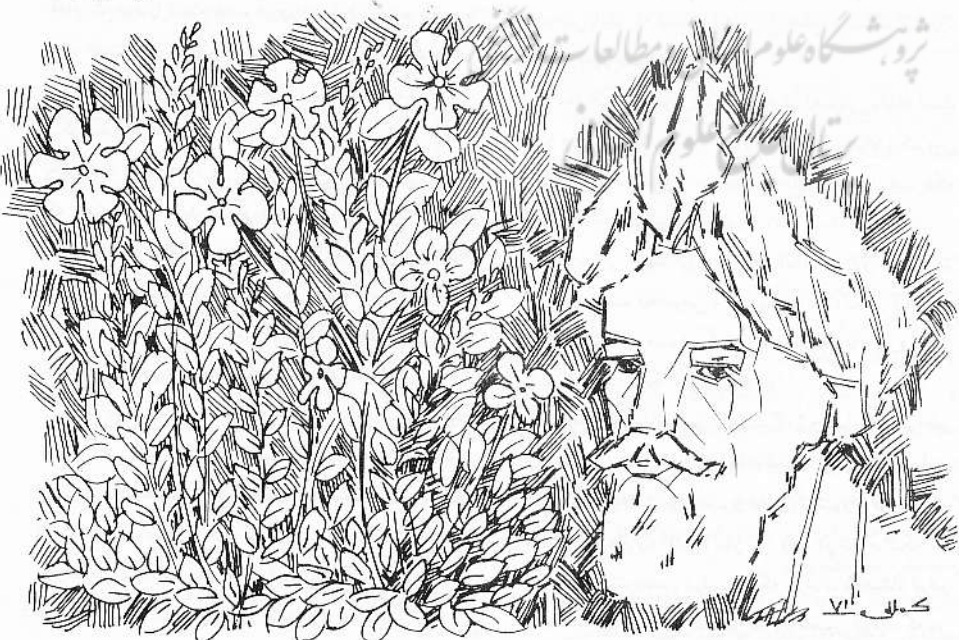
ج ۱ ص ۲۸  
و نیز در زمان پادشاهی جمشید، هنگام بر پائی نوروز  
نوروز هر مزد از ماه فروردین است.

سرساک نوهرمز فرودین  
بر آسوده از رنج روی زمین  
بزرگان بشادی بسیار استند  
می و جام و رامشگران خواستند  
چنین جشن فرخ از آن روزگار  
بما ماند از آن خسروان یادگار  
ج ۱ ص ۴۲

در شاهنامه می خوانیم که، پس از طهمورث، جمشید  
پسروی<sup>۷</sup> به تخت پادشاهی نشست و همه مرغان و دیوان  
و پریان به فرمان او درآمدند. وی به ساختن آلات جنگی  
پرداخت، رشتن و تافتن و بافتن به مردم آموخت، طبقات  
چهارگانه کاتوزیان، نیساریان، نسوریان و اهتوخوشی<sup>۸</sup> را  
پدید آورد، به دیوان دستور داد تا با آب و خاک، گل  
درست کرده، گرمابه و کاخهای بلند سازند و سپس از  
سنگ گوهر بیرون آورد، بویهای خوش پدیدار ساخت،  
پزشکی را بوجود آورد و کشتی رانی را برمرد آموخت و  
بعد از تمامی این کارها، تختی ساخت که هرگاه اراده  
می کرد دیوان آن را برداشته و به آسمان می بردند و در روز  
هرمزد فروردین بر این تخت نشسته بر آسمان رفت و جهانیان  
این روز را روز نو خواندند.

همه کردنیها چو آمد بجای  
ز جای مهی برتر آورد پای  
بفر کیانی یکی تخت ساخت  
چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت  
که چون خواستی دیو برداشتی  
ز هامون بگردون برافراشتی  
چو خورشید تابان میان هوا  
نشسته بروشاه فرمان روا  
جهان انجمن شد بر تخت او  
شگفتی فرومانده از بخت او  
بجمشید بر گوهر افشانند  
مران روز را روز نو خواندند  
سرسال نوهرمز فرودین  
بر آسوده از رنج روی زمین

ج ۱ ص ۴۲



در هر حال نوروز در ایران چنان اهمیتی داشته است که با روی کار آمدن دین زرتشت به عنوان یک دین حکومتی در زمان ساسانیان، نه تنها از بین نرفت بلکه جایگاه خاصی نیز پیدا نمود.

اغلب کتب قدیمی جمشید را پایه گذار نوروز دانسته اند، دلیل انتساب این جشن به جمشید به درستی بر ما معلوم نیست. اما با اطلاع به اینکته فردوسی شاهنامه را بر اساس روایتهای قدیمی و کتاب خداینامه به نظم درآورده است در می یابیم که نسبت دادن این جشن به جمشید از دوران بسیار قدیم معمول بوده است.

در نوروزنامه آمده است «اما سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانستند که آفتاب را دو دور بود یکی آنک هر سیصد و پنج روز و ربعی از شبانروز به اول دقیقه حمل بازآید بهمان وقت و روز که رفته بود نتواند آمدن، چه هر سال از مدت همی کم شود، و چون جمشید آن روز دریافت نوروز نام نهاد و جشن آئین آورد، و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند»<sup>۱۱</sup>.

و در کتاب آثارالباقیه می خوانیم «یکی از علمای ایرانی علت نامیدن این روز را بنام نوروز چنین بیان می کند که فرقه صابئی زمان ظهمرث ظهور کرد و وقتی که جمشید بدفع کردن آنان موفق شد و مذهب را تازه کرد اقدامات خود را انجام داد و آنروز مصادف شد با نوروز و بدان جهت آنرا روز نوح خواندند و جشنی بزرگ گرفتند، چونکه سابق بر آن نیز آنروز را باشکوه تمام جشن می گرفتند.

یک علت دیگر هم برای جشن گرفتن در آنروز این است که جمشید پس از بدست آوردن عراده در آنروز بدان سوار شد و دیوها و جنها او را در یکروز از هوا از کوه دماوند تا شهر بابل بردند و حالا مردم اینروز را بیادگار آن اعجوبه که در آنروز اتفاق افتاد جشن می گیرند و جمشید را تقلید کرده تاب میخورند و خوشحالی و شادمانی میکنند.

و بنابه یک روایت دیگر جمشید در مملکت خود سیاحت می کرد و وقتیکه خواست به آذربایجان وارد بشود در روی یک تخت زرین نشست با همان وضع مردم تخت او را بردوشهای خود کشیده میبردند. وقتیکه پرتو خورشید بروی افتاد و مردم او را دیدند تعظیم کرده بسیار شادمان شدند و آن روز را روز جشن قرار دادند»<sup>۱۲</sup>.

همانطور که از مطالب اخیر مشهود است اغلب کتب قدیمی جمشید را پایه گذار نوروز دانسته اند. ۱۱ دلیل انتساب این جشن به جمشید به درستی بر ما معلوم نیست. اما با اطلاع به اینکته فردوسی شاهنامه را بر اساس روایتهای قدیمی و کتاب خداینامه به نظم درآورده است در می یابیم که نسبت دادن این جشن به جمشید از دوران بسیار قدیم معمول بوده است.

در هر حال نوروز در ایران چنان اهمیتی داشته است که با روی کار آمدن دین زرتشت به عنوان یک دین حکومتی در زمان ساسانیان، نه تنها از بین نرفت بلکه جایگاه خاصی نیز پیدا نمود.

«در این عهد نوروز را در میان ملت ایران و نیز در دربار مراسم مخصوص و تشریفات فراوان در کار بوده است و بتحقیق میتوان گفت که در هیچ زمان نوروز را با اینهمه تکلفات بجا نمی آوردند.»<sup>۱۲</sup>

«مورخین یونانی می نویسند که ژوستین دوم امپراطور روم کمی بعد از جلوس خود به تخت که در چهارم نوامبر سال ۵۶۵ میلادی بود سفیری بدربارنوشیروان فرستاد که با شتاب تمام راه افتاده سفر کرد ولی در شهرهاییکه سر راه بود بجهت بعضی ترتیبات که بفرمان شاهنشاه ایران داده شده بود حرکتش بتاخیر افتاد و مجبور گردید که در

شهر دارا بجهت مراسم عید نوروز مدتی توقف بکند. از اینجا معلوم میشود که در عهد ساسانیان نه تنها در پایتخت بلکه در ولایات نیز مراسم باشکوه مفصلی برای نوروز بجا می آوردند.»<sup>۱۳</sup>

در قسمت تاریخی شاهنامه در زمان ساسانیان هنگامیکه نامی از آتشکده برده می شود، مکانی نیز به نوروز اختصاص دارد.

از جمله:

در زمان پادشاهی اردشیر:

به دیبا بیاراست آتشکده

هم ایوان نوروز و کاخ سده

ج ۷ ص ۱۷۱ بیت ۳۸

در زمان پادشاهی بهرام گور:

برفتند یکسر باتش کده

به ایوان نوروز جشن سده

همی مشک برآتش افشانند

به بهرام برآفرین خوانند

ج ۷ ص ۳۰۹ بیت ۱۱

چو شد ساخته کار آتشکده

همان جای نوروز و جشن سده

ج ۷ ص ۳۹۶ بیت ۱۰۴

در زمان پادشاهی شیرویه:

ببخشید چندی باتش کده

چه بر جای نوروز و جشن سده

ج ۹ ص ۲۸۹ بیت ۵۵۶

در زمان پادشاهی قباد:

نهاد اندر آن مرز آتشکده

بزرگی بنوروز و جشن سده

ج ۸ ص ۴۱ بیت ۲۰۵

و همچنین در اشعار زیر از آئین نوروز یاد شده است.

در زمان پادشاهی یزدگرد پره کار:

بربانگ چنان پایدارش کنم  
بنوروز با باد یارش کنم  
ج ۷ ص ۲۷۱ بیت ۱۳۳

بابوان همی بود خسته جگر  
ندید اندران سال روی پدر  
نگر مهر و نوروز و جشن سده  
که او بیش رفتی میان رده  
ج ۷ ص ۲۸۰ بیت ۲۱۳

در زمان پادشاهی کسری انوشیروان:  
سنان گرنبارد بنوروز نم  
ز خشکی شود دشت خرم دزم  
ج ۸ ص ۶۰ بیت ۱۳۱

در زمان پادشاهی خسرو پرویز:  
کند بازمین راست آتش کده  
نه نوروز ماند نه جشن سده  
ج ۹ ص ۳۲ بیت ۳۶۹

گراید و نک گوئی که پیروز نیست  
از آن پس ورنیز نوروز نیست  
ج ۹ ص ۸۳ بیت ۱۲۵۶

همی کرد هرکس به ایوان نگاه  
به نوروز رفتی بدان جایگاه  
ج ۹ ص ۲۳۳ بیت ۳۷۴۴

بی نویسیها:

- ۱- گاه شماری در ایران - حسن تقی زاده - ص ۴۴
- ۲- «براساس اسطوره خلقت به یکسال، در پی هر آفرینش جشنی برپای می شود و چون شش آفرینش وجود دارد، شش جشن نیز در طی سال برگزار می شود. این جشنهای شش گانه را گاهنبار می خوانند. خاب توجه این است که در ادبیات دینی زردشتی سخنی از نوروز و مهرگان و اعیاد بزرگ ملی نیست و احتمالاً این اعیاد ملی با اعیاد بی پیش از آریاییان مربوط بوده است. «پژوهشی در اساطیر ایران ص ۲۱۰. این گاهنبارها به ترتیب عبارتند از ۱- میدیوزم زمان خلق آسمان ۲- میدیوشیم زمان به وجود آمدن آب ۳- پتیه شیم زمان آفریده شدن زمین ۴- ایاسرم زمان خلق شدن گیاه ۵- میدیایم زمان آفرینش جانوران ۶- همسپندم زمان آفریده شدن انسان. (دربار اطلاع بیشتر نگاه کنید به پشتهها ج ۱ ص ۵۹۴).
- ۳- اسامی برجهای فلکی که برترتیب از اولین ماه بهار آغاز می گردد عبارتست از: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت.
- ۴- برهان قاطع - با حواشی دکتر معین - ذیل لغت نوروز.
- ۵- نخستین جفت انسانی یعنی مثنی و مشیانه در زمان مرگ کیومرث چون نطفه ای از وی جدا گشته و به مدت چهل سال بر روی خاک بود تا آنکه چون گیاه ریواس از زمین روئید و به دو قسمت تبدیل شد که دارای هیشی انسانی بودند یکی نرو دیگری ماده و از ایشان فرزندان بوجود آمد که در تمامی جهان پراکنده گشتند.
- ۶- «سی سال بود تا همی در گذشت (کیومرث)، فروردین ماه، روز هرمزد (اورا) بکشت. نطفه کیومرث به زمین آمد. چهل سال به نطفه بود در زمین ایستاد. پس مثنی و مشیانه از زمین ریواس بپیکر

به نوروز چون برنشستی به تخت  
به نزدیک او موبد نیک بخت  
ج ۹ ص ۲۳۴ بیت ۳۷۴۹

هرآنکس که درویش بودی به شهر  
که او را نبود ز نوروز بهر  
به درگاه دیوانش بنشانند  
درمهای گنجی برافشانند  
ج ۹ ص ۲۳۴ بیت ۳۷۶۱

در زمان پادشاهی شیرویه:  
جز از رسم آئین نوروز و مهر  
از اسبان وزبنده خوب چهر

ج ۹ ص ۲۶۸ بیت ۲۲۱

به یزدان و نام نوای شهریار  
به نوروز و مهر و به خرم بهار  
که گردست من زمین سپس نیز رود  
بساید مبادا به من بر درود  
ج ۹ ص ۲۸۰ بیت ۴۱۴

در زمان پادشاهی یزدگرد:  
هم آتش بمردی با آتش کده  
شدی تیره نوروز و جشن سده  
ج ۹ ص ۳۴۱ بیت ۳۶۱

و استفاده فردوسی از کلمه نوروز در مقام تشبیه و در

جملات دعائی در ابیات زیر:  
گفتار اندر آفرینش آفتاب  
زیاقوت سرخست چرخ کیبود  
نه از آب و گردونه از باد و دود  
به چندین فروغ و به چندین چراغ  
بیاراسته چون به نوروز باغ  
ج ۱ ص ۱۷ بیت ۷۶

در زمان پادشاهی کیخسرو:  
بهر کار بخت تو پیروز باد  
همه روزگار تو نوروز باد  
ج ۴ ص ۲۷ بیت ۲۹۸

در زمان پادشاهی خسرو پرویز:  
ابا فرو با برز پیروز باد  
همه روزگاران تو نوروز باد  
ج ۹ ص ۲۰۲ بیت ۳۲۵۰



خود را بدست آورد، سلاطین بحضورش آمدند و مرغها بخدمش کمر بستند آتوقت ایرانیان گفتند که نوروز آمد یعنی روز تو رسیده. از آن به بعد آرزو را روز تو نامیدند». آثار الباقیه.

۱۲- مقاله نوروز بقلم دکتر ذبیح الله صفا - مجله مهر - ش ۳ ص ۲۷۳

۱۳- مقاله اساس نوروز جمشیدی - حسین کاظم زاده ایران شهر شماره ۱۰ از جلد اول ص ۲۶۱

منابع

- ۱- آثار الباقیه - ابوریحان بیرونی - باهتمام اکبر دانا سرشت انتشارات ابن سینا - ۱۳۵۲
- ۲- برهان قاطع - باهتمام دکتر محمد معین - انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲
- ۳- پژوهشی در اساطیر ایران - مهرداد بهار - جلد اول - انتشارات توس - ۱۳۶۲
- ۴- حماسه سرانی در ایران - دکتر ذبیح الله صفا - انتشارات امیرکبیر - چاپ پنجم - ۱۳۶۹
- ۵- شاهنامه فردوسی - چاپ مسکو
- ۶- گاه شماری در ایران قدیم - حسن تقی زاده - باهتمام کتابخانه تهران - ۱۳۱۶
- ۷- نوروزنامه - منسوب به عمر خیام - با مقدمه و حواشی دکتر مجتبی منینی - ۱۳۱۲
- ۸- فرهنگ ولف
- ۹- پشتهها - پورداود - انتشارات دانشگاه تهران - جلد اول - چاپ سوم - ۲۵۳۶

- برستند، یعنی چون ریواس که برآید و او را برگ برتن فرار ایستد».
- پژوهشی در اساطیر ایران ص ۹۹
- ۶- «پهلوی guyomard، به معنای زندگی میننده، نام نخستین انسان است. او ششمین خلق مادی هرمزد است که آفریدنش هفتاد روز به درازا می انجامد. این که پهنش با درازش برابر بود، او را بیشتر شبیه نطفه عظیمی می سازد تا شبیه انسانی واقعی، و میان او و آسمان که آن هم درازا و پهنایی برابر دارد، نوعی شهادت و ارتباط دیده می شود. اما کیومرث و اسطوره او یک اسطوره کهن هند و ایرانی نیست. ظاهراً در کهن ترین مراحل تفکر هند و ایرانی جم یا، به روایتی دیگر، منو (manu) نخستین انسان خدا بوده است».
- پژوهشی در اساطیر ایران ص ۹۹
- ۷- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به پشتهها ج ۱ ص ۱۸۰ و حماسه سرانی در ایران ص ۴۲۴
- ۸- آذربان - جنگجویان - کشاورزان - دست ورزان
- ۹- نوروز نامه ص ۲
- ۱۰- ترجمه آثار الباقیه ص ۲۸۰
- ۱۱- البته بعد از اسلام روایات متعددی درباره علل پیدایش نوروز ساخته شد. از جمله «گویند خدای تعالی در این روز عالم را آفرید و هر هفت کوکب در اوج تدویر بودند و اوجات همه در نقطه اول حمل بود. در این روز حکم شد که بسیر و دور درآیند و آدم علیه السلام را نیز درین روز خلق کرد، پس بنابراین این روز را نوروز گویند» برهان قاطع - ذیل کلمه نوروز.
- «وقتی سلیمان بن داود انگشتر و سلطنت خود را از دست داده بود همینکه پس از چهل روز سلطنت خود رسید و عظمت و جلال پیشین